

از لابلای نبشته های روزمره

تلاش برای صلح پایدار یا تدارک بمنظور تداوم جنگ

آیا حملات بهاری مخالفان مسلح در شرف تکوین می باشد؟

چگونگی تأمین امنیت سراسری در کشور

مقدم بر همه، تذکر این مسأله قابل تأمل می باشد که بسیاری ها مدعی اند که پدیده جنگ از ابتدایی ترین مراحل پیدایش زندگی، همواره با انسان ها بوده است، اما ذکر این مطلب را نباید فراموش نمود که پس از آنکه اصل مالکیت خصوصی بر وسایل تولید در جوامع انسانی و اصل بهره کشی عده ایی توسط عده دیگر در امر تولید مطرح بحث قرار گرفت، جنگ و جنگ ها بر سر تقسیم نعم مادی تولید شده و تقدم و رجحان اصل منافع فرد بر منافع جمع و مصالح جامعه، میان افراد و اشخاص، میان گروه هایی از انسان ها، میان اقشار و طبقات اجتماعی، میان حکومت ها و دولت ها بمنظور بدست آوردن منافع، بیشتر و بیشتر شعله ور گردید. در شرایط کنونی با استفاده از طرق و وسایل مختلف، نقاط بحران خیز جهان مشخص و شناسایی می گردند. مؤسسات تحقیقاتی، متخصصین سیاسی و کارشناسان روابط بین المللی، جامعه شناسان، اقتصاد دانان، جغرافیه دانان و مؤرخان به شناسایی علل و عوامل اختلافات می پردازند و پدیده جنگ همچنان راه پیشروی خود را ادامه می دهد تا اینکه سیاستمداران قدرت های بین المللی بمنظور حفظ برتری خود و تحمیل سیاست های سودجویانه و قدرت طلبانه خود با سواستفاده از این اطلاعات، به روش های مختلف سعی در برهم زدن تعادل و روابط بین این نقاط آشوب خیز و بحرانی نموده، با کاربرد انواع فن ها و با استفاده از روش های گوناگون سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی به جنگ افروزی پرداخته و بمنظور بازاریابی و فروش تسلیحات نظامی خویش، بستر جنگ و برخورد های مسلحانه را بیش از پیش به وجود می آورند، سپس در مجامع بین المللی و در نشست هایی از این قبیل به طرفین درگیر پیشنهاد آتش بس و توصیه به صبر و خویشتن داری نموده و برای مردمان طرف های جنگ و منازعه اشک تمساح ریخته و برای آنها آرزوی صلح می نمایند. اما از زمانی که موضوعات جنگ و صلح در روابط بین المللی یا مسایل جنگ در جامعه تأثیر مهمی بر جای گذاشت، توجه صاحب نظران سیاسی و جامعه شناسان به آن معطوف گردیده و قدمی در جهت شناخت بهتر آن برداشته شد. اگر قبلاً وسایل اطلاعات جمعی بصورت پیهم اخبار و اطلاعات مربوط به جنگ و برخوردهای مسلحانه در کشور را به اطلاع همگان می رسانیدند، ماههای قبل همه نوارها مملو از اخبار

و اطلاعات مربوط به اقدامات دولت در مورد قطع جنگ تقریباً چهل ساله و ایجاد صلح دوامدار در کشور گردید.

در اعلامیه وزارت امور خارجه کشور نیز از مسأله فوق تذکر بعمل آمده است. در بیانیه یادشده از جمله تأکید بعمل آمده که طرف دولت افغانستان بمتابه یک سازمان و تشکیلات متعهد به امر تأمین صلح و امنیت پایدار در کشور، تمامی باشندگان سرزمین ما را مخاطب قرار داده و سعی و کوشش فرد فرد کشور را در امر تلاش بمنظور یاری رسانیدن دولت در اجرای امر فوق فرامی خواند. موازی با اقدامات فوق، شورای عالی صلح نیز به رهبری پیر سید احمد گیلانی به کارش آغاز نمود. رهبری شورای یاد شده نیز خاطر نشان نمود که دستیابی به صلح و امنیت پایدار، از جمله وظایف مهم شورای متذکره را تشکیل داده و از همه افغان ها طالب همکاری و معاونت با شورای متذکره گردید. ریاست اجرائیه نیز طی خبر نامه ای به اطلاع رسانید که گفتگوهای صلح با "طالب"ها، طی مدت زمان شش ماه آینده از سر گرفته خواهد شد، در بیانیه همچنان علاوه گردیده است که "میان طالب ها ممکن گروه هایی موجود باشند که در کنار بکارگیری قوه، به میز مذاکره نیز غرض کسب امتیازات بیشتری حاضر گردند." اما از این مسأله نیز تذکر بعمل آمده که "آینده مذاکرات در هاله ای از ابهام قرار دارد."

با وجود آنکه موضعگیری متذکره مورد تأیید قطر نیز قرار گرفت، اما قرار اخبار واصله و معلومات جدید، نمایندگان "طالب"ها با صراحت ابلاغ نمودند که آنها کوچکترین اطلاعی از گفتگوهای صلح با دولت افغانستان ندارند. آنها متذکر گردیدند که مواضع شان را چندی قبل طی گرد همایی پگواش مجدداً تکرار نموده و خروج کامل قوای نظامی خارجی از افغانستان را از جمله شرایط حضور شان در گفتگوهای صلح افغانستان متذکر گردیده اند. بدین ترتیب همچنان آنها مدعی اند که خروج قوای نظامی خارجی از افغانستان، مرعی الاجراً قرار دادن اصول شریعت در کشور، آزادی تمامی "طالب"های زندانی، حذف اسمای "طالب"ها از فهرست سیاه را از جمله شروط دیگر و شرایط حضور خویش در گفتگوهای صلح مطرح بحث قرار داده اند. این مسأله را نباید فراموش نمود که بعضی از کارشناسان امور در مورد اعتبار دفتر "طالب"ها در قطر، حساس میباشند. آنها این موضوع را مورد تأیید قرار می دهند که نمایندگان ملا اختر منصور (رهبر "طالب"ها پس از مرگ ملا عمر) در مذاکرات مورد بحث در اسلام آباد شرکت میورزند. موضوع متذکره قبل از همه، مسأله تأثیر و اثربخشی پاکستان را بر "طالب"ها به اثبات می رساند. رهبران درشت و برجسته گروه متذکره در طول مدت زمان های مختلفی در سرزمین پاکستان از پناهگاه های امنی برخوردار بوده و مورد حمایت های بیدریغ حاکمان و سازمان های استخباراتی آن کشور قرار گرفتند. بدین ترتیب، شرکت "طالب"ها در گفتگوهای رو در روی با نمایندگان دولت افغانستان صرف به علاقمندی اسلام آباد و در ذینفع بودن زمامداران پاکستانی و در نظر داشت منافع ملی آن کشور و تعیین و مشخص نمودن سهم پاکستان، ممکن و میسر بوده و موفقیت و به ثمر رسیدن مذاکرات در شرف تکوین نیز تضمین می گردد و الی غیر.

با اینحال، واضح و مبهرهن است که در گذشته، بصورت غیر مستقیم تحت هدایت استخبارات پاکستان و یا مشاوران وابسته به آن، بخش اعظمی از عملیات و فعالیت های دهشت افکنانه "طالب"ها تنظیم و رهبری

می‌گردید. چنانچه طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۰ ما شاهد چنین سهمگیری و ارایه خدمات به "طالب"ها توسط حاکمان پاکستان بودیم. اما امروزه در اسلام‌آباد چنین ادعا می‌گردد که اگر چنین همکاری‌ها سبب تهدید امنیت افغانستان می‌گردد، بیش از این از آن امتناع خواهند ورزید. اما قابل یادآوری می‌باشد که در موضعگیری اسلام‌آباد در قبال افغانستان و بخصوص در امر مذاکره با طرف افغانی، اصلاً تغییری به ملاحظه نرسیده و افغانستان را بصورت همیشگی جز اولویت‌های سیاسی خویش پنداشته و در صدد تحکیم مواضعش در کشور عزیز ما می‌باشد.

بدیهی است که جنگجویان "طالب" در صدد آنند تا از مسأله مذاکرات بمنظور آماده‌گی انجام عملیات بهاری خویش استفاده ابزاری بعمل آورده و در تمامی جبهات حملات تهاجمی خویش را آغاز نموده و همچنان تلاش می‌ورزند حتی در کابل نیز اهداف مورد نظر خویش را مورد آماج قرار دهند. چندی قبل در نتیجه انفجار قوی در شهر کابل به گزارش وزارت دفاع کشور بتعداد ۱۵ تن از هموطنان ما کشته شده و بتعداد ۳۱ نفر نیز زخم برداشتند.

بناءً، با در نظر داشت چنین وضعیت در کشور، دولت افغانستان در کنار اقدامات صلح‌آمیز و پابندی به تداوم مذاکرات صلح، تدابیر امنیتی را بخصوص در کابل شدت بخشیده است. مقامات رهبری در وزارت دفاع کشور اعلام داشتند که در سال پیشرو، قوای مسلح کشور از آمادگی‌های بیشتری بمنظور انجام عملیات علیه مخالفان مسلح برخوردار گردیده‌اند. مقامات وزارت دفاع کشور همچنان یادآور شدند که اکنون قوای مسلح کشور از وضعیت و حالت تدافعی به حالت تهاجمی گذار نموده و اقدامات و تدابیر معین و مشخصی در زمینه رویدست گرفته شده است.

قبل از آن، در مورد تاکتیک‌های در حال تغییر و در مورد ایجاد رفرم در بخش‌هایی از قوای مسلح کشور از جانب مشاوران ناتو آنهم در چهارچوکات مأموریت "حمایت قاطع" پیشنهاداتی مطرح گردید، از جمله وزارت دفاع کشور اعلام داشت که: "ما فیصله بعمل آوردیم تا نیروه‌های خویش را از حالت تدافعی به وضعیت و حالت فعال‌تر نظامی انتقال دهیم، ما تمامی امکانات و وسایل را بمنظور حصول مأمول فوق بکار خواهیم گماشت."

تاکتیک جدید "طالب"ها

در نیمه دوم سال ۲۰۱۵ در ولایت هلمند، تضادها و مخالفت‌ها میان نیروه‌های دولتی و جنگجویان "طالب"ها بیش از هر زمان دیگر شدت فوق‌العاده‌ای بخود اختیار نمود. طی مدت زمان متذکره، بخش اعظمی از ولایت یاد شده تحت کنترل مخالفان مسلح قرار داشت. برای دولت افغانستان زیان از دست دادن قلمرو، فی الواقع بمثابه "بازی دومینو" (روش بهم پیوسته) محسوب می‌گردید. ایالات متحده در صدد آن شد تا با هر جریان و عملیه‌ای که سبب ساز وحدت و یگانگی میان پولیس ملی، پولیس محلی و فرماندهان ملیشایی می‌گردد، به مقابله بپردازد. متذکر باید گردید که بدون این امر (وحدت و هماهنگی نیروهای یادشده) اقدامات و عملیات‌های منفردانه آنها علیه مخالفان مسلح که بشدت مسلح و مجهز‌اند، اصلاً موثر نخواهد بود.

بمنظور مقابله با فعالیت ها و عملکردهای "طالب"ها، دولت افغانستان در صدد آن شد تا از جمله بمتابجه نخستین اقدامات، پولیس ملی افغانستان را به خدمت گمارد. اما در این مقطع، بیش از همه بر پولیس محلی و فرماندهان ملیشه یی سرمایه گذاری صورت گرفت. در حالیکه بخصوص پس از خروج ۱۱ هزار نظامی امریکایی، در مورد امکانات خودی، محاسبه درستی بعمل نیامد.

قابل یادآوری می باشد که فعالیت ها و عملکردهای "طالب"ها در مناطق شمالی ولایت هلمند، باعث گردید تا آنها کنترل خویش را بر مناطق متذکره حفظ نموده و بر مناطق و محلات دیگر نیز اثر گذاری معینی به جا بگذارند.

هدف و مقصد عمده "طالب"ها در مناطق شمالی ولایت هلمند، در جاییکه آنها یا کنترل خویش را حفظ نموده و یا بر مناطق و محلات معین اثر گذاری داشتند، آغاز گردید. هدف و مقصد عمده "طالب"ها، تسخیر مرکز موسی قلعه بود که از آنجا خطر عمده متوجه آنها گردیده و اشغال و تصرف آن، بخصوص از رهگذر تبلیغاتی بزرگترین دستاورد آنها محسوب می گردید. نخستین موفقیت آنها طی ماه ثورسال ۱۳۹۱ حاصل گردید. اما حاکمیت دولتی در محل، در مورد وارد نمودن ضربات بر سیستم کلی تهدید و خطر، اصلاً توجه لازم بخرچ نداد. طی سال های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳، "طالب"ها سیاست انجام "ضربات وارد کننده" را پیشه کردند، اما با چنین عملکرد نیز موفقیت آنچنانی نصیب آنها نگردید.

در اواسط سال ۱۳۹۳، "طالب"ها نخستین حملات شان را بر موسی قلعه متمرکز نمودند. پس از آنکه به دلیل عدم دسترسی به تسلیحات سنگین و مهمات جنگی از توان حمله و پورش بر تأسیسات مهم و بزرگ دولتی محروم گردیدند، تروریست ها در نحوه عملکرد خویش تغییر وارد نمودند. در اینمورد به شدت عملیات بر تأسیسات کوچک دولتی افزودند. همچنان آنها با استفاده از فعالیت های استخباراتی در صدد آن شدند تا نقاط ضعف دفاعی طرف مقابل را مورد شناسایی قرار دهند. بدینترتیب آنها از تأسیسات نه چندان مستحکم نظامی بخش غربی شهر مطلع گردیدند. جنگجویان مسلح چندین مرکز دولتی را در مناطق موسی قلعه و سنگین متصرف گردیدند که در چنین یک وضعیتی، به آنها امکان گسترش اقدامات خرابکارانه شان را در سایر مناطق سنگین گسترش و وسعت می بخشید. در آغاز سال ۱۳۹۴، جنگجویان تادندان مسلح، شهر زمینداور واقع در شمال کجکی را متصرف گردیده، رود هلمند را عبور و محلات بیشماری در مناطق جنوبی کجکی را نیز تحت کنترل خویش قرار دادند که با استفاده از آنها و از طریق مناطق متصرف شده، جنگجویان شان را به مناطق و محلات دیگر گسیل داشته و نیز به تأسیس مراکز نظامی و ایجاد موانع پرداختند. جنگجویان "طالب" در فصل تابستان سال ۱۳۹۴ به مناطق مرکزی سنگین تقرب جسته و طی ماه سرطان سال متذکره به سقوط مرکز اداری نوزاد نایل گردیدند. در اثر حمله و پورش متذکره، مقادیر هنگفت سلاح و مهمات، منابع مالی و وسایل ترانسپورتی بدست "طالب"ها افتاده و در نتیجه آنها به حمله و پورش بزرگی بر موسی قلعه متوسل گردیدند.

کاش می شد اندکی تاریخ را بهتر نوشت

کاش می شد سرنوشت خویش را از سرنوشت

داستان عمر خود را گونه دیگر نوشت

کاش می شد پشت پازد بر تمام زندگی

هژدهم ماه مارچ سال ۲۰۱۶